

سیاست محلی
افغانستان
به جای تقویت
«مرکز» سیاسی
تکنوکراتیک
(دیوان سالارانه) از
طریق مشارکت
بازیگران
«پیرامونی»
توانایی دولت
افغانستان را
برای اصلاح
به شدت محدود
کرد

جهان است. این کشور بر اساس درجه بندی سازمان شفافیت بین الملل با امتیاز ۱۵ از ۱۰۰ (صفر برای «فاسدترین» و ۱۰۰ برای «کمترین فساد») در بین ۱۸۰ کشور رتبه ۱۷۲ را دارد. این رقم افغانستان را به هشتمین کشور فاسد جهان تبدیل می کند. شاخص های حکمرانی جهانی بانک جهانی (۲۰۱۷) هم وضعیت مشابهی را نشان می دهند. در این شاخص ها هم افغانستان در میان ده کشوری قرار دارد که از نظر اثربخشی دولت، کیفیت نظارتی، حاکمیت قانون و کنترل فساد بدترین عملکردها را در جهان دارند. علاوه بر این بر اساس رتبه بندی بنیاد صلح در سال ۲۰۱۹ نهمین کشوری است که صلح را شکسته است و از نظر مشروعیت دولت، مقررات خدمات عمومی و کارآیی بخش امنیتی پایین ترین شاخص ها را دارد. همچنین بر اساس رتبه بندی سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (OECD) در سال ۲۰۱۸ افغانستان جزو کشورهای «فوق العاده شکننده» جهان قرار دارد.

شاخص تحول بنیاد برتلزمن (۲۰۱۸) کمی مثبت تر است و به برخی از پیشرفت های مثبت در شاخص های مختلف در طول سال ها اشاره می کند. در این شاخص افغانستان از نظر اداره کلی کشور از ۱۰ امتیاز چهار امتیاز، از نظر عملکرد قوه قضائیه مستقل از ۱۰ امتیاز سه امتیاز، از نظر عملکرد نهادهای دموکراتیک (مردم سالار) امتیاز سه از ۱۰ را کسب کرده و در نتیجه از نظر شاخص حکومت داری در بین ۱۲۸ کشور دنیا در رتبه ۹۱ قرار دارد.

اشکال فساد

فساد سیاسی و کلان

پس از تهاجم ناتو به افغانستان در سال ۲۰۰۱ این کشور با این معضل روبه رو بوده است که برای تأمین امنیت خود تا حدی متکی به جنگ سالاران بود و نیز باید آنها را کنترل می کرد تا مطمئن شود خشونت منحصر به آنهاست (مک گینتی ۲۰۱۰). برای حمایت و تقویت شورش ضد طالبان و تضمین بقای دولت پس از طالبان جنگ سالاران مختلفی (۴) برای همکاری با ساختار دولت افغانستان انتخاب شدند و موقعیت های ممتازی را هم در دولت پیدا کردند (مک گینتی ۲۰۱۰). از کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱ به بعد وزارتخانه ها در پس درهای بسته که «بیشتر شبیه تجارت اسب سیاسی» (۵) بود تا جلساتی برای اتخاذ رویه های دموکراتیک (مردم سالارانه) باز و مشورتی انتخاب و منصوب شدند (اشمیدل ۲۰۱۶).

به طور خلاصه و مشخص دولت افغانستان پارادوکس (تناقض نما) عجیب است: نهاد لیبرال دموکراسی که در تلاش های دولت برای دولت سازی و صلح سازی نقش محوری دارند، توسط کمک کنندگان پشتیبانی می شوند و تا حدی به جنگ سالاران و شبه نظامیان وابسته هستند (مهران ۲۰۱۸؛ مک گینتی ۲۰۱۰).

در حین اینکه راهبرد به همکاری پذیرفتن جنگ سالاران در دستگاه دولتی افغانستان تا حدودی ضروری تلقی می شد تا آنها را به راه بیاورد، در عین حال در ابتدا فرض بر این بود که جنگ سالاران با اجرای پروژه لیبرال صلح سازی به یک عده بوروکرات (دیوان سالار) تبدیل می شوند (مهران ۲۰۱۸). با این حال این راهبرد منجر به آن شد که نخبگان قدرتمند و مسلح بخشی از دولت را تصرف کنند. نهادهای رسمی و ساختارهای سیاسی